

نقد و بررسی کتاب

دکتر رضا شیرزادی *

آمارتیا سن، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه‌ی دکتر وحید محمودی، (تهران: دانشکده‌ی مدیریت دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲)
Amartya Kumar sen, **Development as Freedom**, (Oxford University Press, 1999).

آمارتیا کومارسن اقتصاد دان، فلسفه دان و برنده‌ی جایزه‌ی نوبل اقتصاد سال ۱۹۹۸؛ در سال ۱۹۳۳ در هند به دنیا آمد. در سال ۱۹۵۳ از دانشگاه کلکته مدرک کارشناسی اقتصاد گرفت. سپس در سالهای ۱۹۵۵ و ۱۹۵۹ مدارج کارشناسی ارشد و دکتری را در دانشگاه کمبریج لندن طی نمود. (۱)
او در سال ۱۹۹۸ برنده‌ی جایزه‌ی نوبل شد. این مسئله کاملاً به دور از انتظار بود زیرا در شرایطی که نظریه‌ی لیبرالیسم نو مطرح شده و به گفتمان غالب تبدیل شده بود، آمارتیا سن به پدیده‌ی فقر، نابرابری، قحطی و رویهمرفته حمایت از جامعه در روند توسعه، تأکید می کرد. این آموزه در مقابل دیدگاه لیبرالیسم نو قرار می گرفت زیرا در این دیدگاه تأکید اصلی بر آزادی فعالیت‌های اقتصادی و دولت حداقل بود. با ارائه‌ی دیدگاه آمارتیا سن، نوعی از اقتصاد ملایم تر و آرام تر مطرح شد که در آن، انسان و آزادی های او جایگاه ویژه ای داشت. زمانی که جایزه‌ی نوبل به آمارتیا سن تعلق گرفت، آکادمی سلطنتی سوئد اعلام داشت که «او بُعد اخلاقی اقتصاد را به آن بازگردانده است». (۲)

آمارتیاسن خود در این مورد اذعان می‌دارد: «بدون شک مدتی این احساس وجود داشت که توسعه فرآیند بسیار دشواری دارد و مردم باید در راه آن فداکاری نمایند. درخت توسعه باید با خون و اشک و عرق انسانها آبیاری شود. اما این احساس همواره وجود نداشته است. فکر می‌کنم این نظر صحیح باشد که توسعه در این روزها به اندازه‌ی گذشته بی‌رحم نیست. جو اقتصادی دوستانه‌تر و فرصتهای اجتماعی دوستانه‌تر می‌توانند توسعه را به پیش ببرند و نه جو سیاسی بی‌رحم و ممانعت از آزادی‌های لیبرالی افراد.» (۳)

آمارتیاسن نسبت به نظریه‌های اقتصادی نوکلاسیک و رویکرد مطلوبیت‌گرایی که رویکرد مسلط در علم اقتصاد بوده است، نگاهی انتقادی دارد. تلاش او برای جایگزینی نگرشی به علم اقتصاد که پایه‌های خود را بر مناسبات انسانی‌تر بنا نهاده باشد، در سال ۱۹۸۰ به معرفی رویکرد قابلیت‌به‌عنوان رویکرد جایگزین مطلوبیت‌گرایی آغاز شد. از آن زمان به بعد، او کوشیده است رویکرد قابلیت را به عنوان روشی برای تنظیم مناسبات اجتماعی مطرح کند. بر اساس این رویکرد، مناسبات اجتماعی باید بر اساس آزادی‌های مردم در ارتقاء یا کسب موفقیت‌هایی از زندگی و اقداماتی که برای آنها ارزشمند است و برای این ارزشگذاری خود دلیل دارند، ارزیابی شوند.

عمده‌ترین ویژگی‌های دیدگاه آمارتیاسن در این کتاب عبارتند از:

- ۱- تأکید اصلی بر عوامل داخلی در روند توسعه است بنابراین توسعه امری درونزا می‌باشد که متکی بر نیروها و تحولات داخلی و خصوصاً نقش فعال دولت است.
- ۲- توسعه با سنت سازگار است و برای آن جنبه‌ی تکمیلی دارد. از اینرو اصلاح تدریجی و گام به گام اولویت می‌یابد.
- ۳- آزادی و امکان بهره‌گیری از قابلیت‌های انسان بر روند توسعه‌ی اقتصادی تقدم دارد. بنابراین دموکراسی و توسعه‌ی سیاسی مقدم بر توسعه‌ی اقتصادی، و تسریع‌کننده‌ی آن هستند.
- ۴- در روند توسعه‌ی ملی، مردم باید مورد حمایت‌های دولت قرار گیرند تا از آسیب‌پذیری آنها کاسته شود. بنابراین دولت نقش فعال و حمایتگر دارد.
- ۵- در کنار رشد درآمد و صنعت، مواردی همچون آزادی‌های سیاسی و مدنی، آموزش عمومی و بهداشت نیز باید مورد توجه قرار گیرند. بنابراین توسعه‌ی جامع مد نظر آمارتیاسن است.
- ۶- بازار آزاد و آزادی مبادله و معامله یکی از ابزارهای توسعه است و پیشرفت آن را تسریع می‌کند.
- ۷- آمارتیاسن در زمره‌ی نظریه پردازان جدید مکتب نوسازی قرار می‌گیرد.

آمارتیاسن از نظر تحلیل، کتاب خود را مدیون تحلیل‌های آدام اسمیت می‌داند. او در مورد مخاطبان کتاب خود، اذعان می‌دارد که این کتاب نه فقط برای کارکنان بانک جهانی و یا دیگر سازمانهای بین‌المللی و نه فقط برای سیاستمداران و برنامه‌ریزان دولتهای ملی تدوین شده است، بلکه یک اثر کلی درباره‌ی توسعه و امکان اجرای آن است و به عبارت دیگر هدف آن این است که مسأله‌ی توسعه را به نقد عمومی بگذارد. (۴)

اهمیت کتاب آمارتیاسن تا حدی است که ترجمه‌های متعددی از آن به زبان فارسی صورت گرفته است. (۵)

در ادامه، مباحث عمده‌ی کتاب «توسعه به مثابه آزادی» را با استناد به متن، ارائه می‌کنیم. بعقیده‌ی آمارتیاسن جهان کنونی از دو جهت شاخص است: اولاً نعمات سرشار مادی، سرعت تحولات اقتصادی، گسترش دموکراسی، مشارکت و آزادی‌های سیاسی، حقوق بشر، افزایش طول عمر مردم، گسترش ارتباطات تجاری و حوزه‌ی تأثیر متقابل ایده‌ها و اهداف. ثانیاً وجود بدبختی و ظلم، فقر پایدار، کمبود نیازهای اساسی و اولیه، گرسنگی و قحطی، بی‌توجهی به آزادی‌های اولیه و بنیادین سیاسی، نادیده گرفتن علائق و نقش زنان، و تهدیدات متعدد نسبت به محیط زیست.

این دو ویژگی هم در کشورهای ثروتمند و هم در کشورهای فقیر در اشکال مختلف قابل مشاهده است. از دیدگاه آمارتیاسن، غلبه بر این مشکلات، محور اصلی برنامه‌ی توسعه است. برای غلبه بر این مشکلات و حصول توسعه، باید به نقش آزادی در اشکال متنوع آن توجه کنیم. گسترش آزادی هم به عنوان هدف اولیه و هم به عنوان ابزار اصلی توسعه دیده می‌شود. (۶)

توسعه را می‌توان همچون فرآیند گسترش آزادی واقعی دید که مردم از آن سود می‌جویند. تأکید بر آزادی‌ها انسانی با دیدگاه‌های محدود از توسعه که توسعه را برابر با رشد تولید ناخالص ملی یا افزایش درآمد افراد یا صنعتی کردن، یا پیشرفت فن‌آورانه (تکنولوژیک) یا نوسازی اجتماعی می‌دانند، تباین دارد. البته رشد تولید ناخالص ملی یا رشد درآمدهای فردی، ابزارهای اقتصادی و اجتماعی (برای مثال امکانات آموزش و بهداشت همگانی) یا حقوق سیاسی و مدنی (مانند آزادی مشارکت در بحث آزاد به طور عام و نقد موشکافانه) نیز بستگی دارد. از سوی دیگر صنعتی شدن، پیشرفت فن‌آورانه (تکنولوژیک) و یا نوسازی اجتماعی به طور وسیعی می‌تواند به افزایش آزادی انسانی کمک کند، ولی آزادی فی‌نفسه به عوامل دیگر

نیز بستگی دارد. (۷)

از دیدگاه آمارتیا سن، توسعه آن هنگام محقق می شود که عوامل اساسی ضد آزادی از بین برود: عواملی چون فقر و ظلم، فرصت های کم اقتصادی، محرومیت نظام ضد اجتماعی، بی توجهی به تأمین امکانات عمومی، و عدم تسامح و یا دخالت بیش از حد دولتهای سرکوبگر. علی رغم افزایش بی سابقه ی ثروت عمومی در جهان معاصر، کماکان گروه های وسیعی از مردم (اکثر مردم جهان) بی بهره از آزادی های اولیه هستند.

آزادی به دو دلیل نقش اساسی در فرآیند توسعه دارد:

اول، دلیل سنجش: ارزیابی از پیشرفت باید مقدماتاً بر این استوار باشد که آیا آزادی مردم بهبود یافته است.

دوم، دلیل کارآمدی: دستیابی به توسعه ی کاملاً به آزادی فعالانه ی مردم وابسته است. (۸)

آمارتیا سن معتقد است رابطه ی بین آزادی فردی و دستیابی به توسعه ی اجتماعی فراتر از رابطه ی ساختاری است و از اهمیت لازم برخوردار است. آنچه مردم به طور مثبت کسب می کنند متأثر از فرصت های اقتصادی، آزادی های سیاسی، قدرت های اجتماعی و تأمین بهداشت مناسب، آموزش اولیه و تشویق و پرورش ابتکارات است. ترتیبات نهادین برای اینگونه فرصتها تحت تأثیر آزادی هایی است که با مشارکت آزاد آنان در گزینش اجتماعی و تصمیم گیری آزاد آنان برای بهبود فرصتها صورت می گیرد. (۹)

آمارتیا سن نقش بازارها را به عنوان یکی از اجزای توسعه مورد تأکید قرار می دهد. از دید او همانطور که آدام اسمیت یادآور می شود، آزادی مبادله و انجام معامله به خودی خود بخشی از آزادی های اساسی را تشکیل می دهد که برای مردم اهمیت دارند. آزادی در تبادل افکار، کالاها و هدایا نیاز به توجیه ندارد. اینها بخشی ناگسستنی از زندگی اجتماعی انسانهاست. سهم ساز و کار بازار در رشد اقتصادی مسلماً قابل توجه است ولی این خود بعد از اهمیت مستقیم آزادی تبادل افکار، کالاها و هدایا قرار می گیرد. نفی آزادی مشارکت در بازار کار، یکی از راههای اسارت و بندگی مردم است. آزادی ورود به عرصه ی بازار، صرفنظر از توانایی با ناتوانی ساز و کار بازار در افزایش رشد اقتصادی یا صنعتی شدن، نقش مهمی در پیشبرد توسعه دارد. امکانپذیری فرآیند همه جانبه ی توسعه بدون کاربرد وسیع بازار به سختی در ذهن می گنجد اما این کاربرد به معنای نفی نقش حمایت اجتماعی، قوانین عمومی و یا سیاست گذاری هایی که زندگی انسان را پربار (نه فقیر و ضعیف) می کند، نیست. رویکرد به کار گرفته شده در این کتاب، نگرش جامع و وسیع تر به

بازار را، در مقایسه با رویکردهایی که در مقام دفاع یا رد سازوکار بازار هستند، به دست می دهد. (۱۰) نبود آزادی اقتصادی می تواند موجب سلب آزادی اجتماعی شود، همانطور که نبود آزادی سیاسی و اجتماعی نیز می تواند به سلب آزادی اقتصادی منجر گردد.

آمارتیاسن فرآیند توسعه را در شکل جامع آن که جنبه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را در هم می آمیزد، مورد نظر دارد. این رویکرد به او اجازه می دهد که در فرآیند توسعه ارزیابی همزمانی از نقش های حیاتی انواع مختلف نهادها شامل بازار و سازمان های بازارگرا، دولت و مسئولین منطقه، احزاب سیاسی و دیگر نهادهای مدنی، برنامه های آموزشی، فرصتهای گفتگوی دو جانبه و باز مناظره (شامل نقش وسایل ارتباط جمعی و دیگر وسایل ارتباطی) داشته باشد. (۱۱)

آمارتیاسن معتقد است پنج نوع آزادی متمایز از دید ابزاری مورد تحقیق قرار گرفته است. این آزادی های عبارتند از:



- ۱- آزادی های سیاسی
- ۲- امکانات و تسهیلات اقتصادی
- ۳- فرصت های اجتماعی
- ۴- تضمین شفافیت
- ۵- نظام حمایتی

هر کدام از این انواع حقوق و فرصتها به پیشرفت و قابلیت عمومی فرد کمک می کند. آنها همچنین مکمل یکدیگرند. خط مشی های عمومی لازم برای پیشبرد قابلیت های انسانی و آزادی های اساسی می تواند از طریق تقویت این گونه آزادی های ابزاری متمایز اما به هم مرتبط، عمل کند. رویهمرفته در دیدگاه «توسعه به مثابه آزادی» آزادی های ابزاری با یکدیگر و با اهداف ارتقای آزادی انسان، در تمامیت آن، پیوند می یابند.

نهایتاً، آزادی ها نه فقط اهداف اولیه ی توسعه، بلکه از جمله ابزارهای اصلی توسعه نیز هستند. آزادی های سیاسی مانند آزادی بیان و انتخابات کمک به گسترش امنیت اقتصادی می کنند. فرصتهای اجتماعی مانند امکانات آموزشی و بهداشتی، مشارکت اقتصادی را ممکن می سازند. امکانات اقتصادی در شکل تأمین فرصتهای مشارکت در تجارت و تولید نیز می توانند وفور شخصی و به همین گونه، منابع عمومی لازم برای تسهیلات اجتماعی را فراهم کنند. بنابراین، انواع مختلف آزادی ها می توانند همدیگر

آمارتیاسن اولویت را به آزادی‌های سیاسی در روند توسعه‌ی ملی می‌دهد. به عقیده‌ی او غالباً ناامنی اقتصادی می‌تواند با نبود آزادی‌ها و حقوق مردم سالارانه ارتباط پیدا کند. در واقع، مردم سالاری و حقوق سیاسی حتی می‌تواند در پیش‌گیری از وقوع قحطی و دیگر فجایع اقتصادی کارکرد داشته باشد. رهبران سیاسی تمامیت خواه که خود اغلب از قحطی یا دیگر فجایع اقتصادی در امان هستند، هیچ انگیزه‌ای برای پیش‌گیری از وقوع اینگونه مصائب ندارند. در مقابل، دولتهای مردم سالار به خاطر پیروزی در انتخابات و مواجهه با نقدهای عمومی، انگیزه‌های بسیار قوی برای ریشه کن کردن قحطی، بدبختی و دیگر مصائب دارند. در واقع آزادی سیاسی و مدنی به طور مستقیم و فی‌نفسه اهمیت دارند، نباید اهمیت آنها را به طور غیر مستقیم و برحسب تأثیری که بر اقتصاد دارند، توجیه کرد.

حتی وقتی که مردم بدون آزادی‌های سیاسی و حقوق مدنی دچار مشکل امنیت اقتصادی نیستند یعنی وقتی که شرایط اقتصادی مساعدی دارند، از آزادی‌های لازم در تعیین سرنوشت خویش محروم هستند و فرصت دخالت در تصمیم‌گیری‌های مهم مربوط به امور عمومی از آنان سلب شده است. (۱۳)

حقوق سیاسی و مدنی این فرصت را به مردم می‌دهد که به طور قوی به نیازهای عمومی توجه کنند و خواستار اقدام‌های عمومی مناسب باشند. واکنش دولتها به مشکلات حادث مردم اغلب بستگی به میزان فشاری دارد که به دولت وارد می‌شود و این مسئله در جایی که حقوق سیاسی همانند رأی‌گیری، انتقاد، تحسن و غیره وجود داشته باشد، می‌تواند جواب دهد. این امر یک قسمت از نقش ابزاری مردم سالاری و آزادی‌های سیاسی است. (۱۴)

وجود آزادی‌های سیاسی اولیه نه فقط یک واکنش راهبردی به نیازهای اقتصادی است، بلکه همچنین درک نیازهای اقتصادی خودش نیازمند وجود چنین حقوقی نیز است. در واقع برخورداری از یک درک روشن نسبت به این که نیازهای اقتصادی چیست و چه محتوا و توانی دارد، نیازمند مباحثه و گفتگو است. حقوق سیاسی و مدنی به‌ویژه مواردی که مرتبط با تضمین مباحثات آزاد، مناظره، نقد و ابراز اختلاف عقیده است، محور فرآیند شکل‌گیری و انعکاس انتقادات است. (۱۵)

به این ترتیب از دیدگاه آمارتیاسن، پیشبرد و تقویت یک سیستم مردم سالار یکی از اجزای اساسی فرآیند توسعه است.

رویه‌مرفته رویکرد آمارتیاسن در کتاب «توسعه به مثابه آزادی» بیانگر فرآیند گسترش آزادی‌های

اساسی ای است که مردم از آن برخوردارند. از دیدگاه او مجموعه ای از نهادهای متنوع از جمله عملیات بازار، ادارات، قانونگذاران، احزاب سیاسی، سازمانهای دولتی، دستگاه قضایی، رسانه ها و جامعه به طور کلی، در فرآیند توسعه به گونه ای مشخص از طریق آثار آنها بر تقویت و پایداری آزادی های فردی نقش دارند. تحلیل توسعه نیازمند درک یکپارچه و جامع از نقش های مربوطه ای این گونه نهادهای مختلف و تقابل های آنها دارد. شکل گیری ارزشها و ضرورت و تکامل اخلاقیات اجتماعی همچنین بخشی از فرآیند توسعه است که باید در کنار کارکرد بازار و دیگر نهادها مورد توجه قرار گیرد.

آمارتیا سن ادعان می دارد، این خصوصیت آزادی است که جنبه ها و ابعاد مختلفی دارد که مرتبط با نهادها و فعالیتهای گوناگون است. نمی توان نگرشی از توسعه به دست داد که صرفاً متکی بر فرمول ساده ای انباشت سرمایه یا بسط بازار و یا برخورداری از برنامه ای اقتصادی کارا باشد. اصل هماهنگ کننده ای که همه ای اجزا و جنبه های مختلف را در درون منظری واحد قرار می دهد، دغدغه ای غالبی است که در آن فرآیند ارتقاء آزادی های فردی و تعهدات اجتماعی حضور دارند. این اتحاد و یکپارچگی حایز اهمیت است، اما در عین حال نمی توانیم این حقیقت را نادیده بگیریم که آزادی به طور ذاتی مفهومی با تنوع ملاحظات فرآیندی و همچنین فرصت های اساسی است.

آمارتیا سن کتاب خود را با نقل عبارتی از ویلیام کوپر به پایان می برد: «آزادی هزاران جلوه دارد که بردگان، هر چند راضی، هرگز از آن با خبر نخواهند شد.» (۱۶)

بطور خلاصه از دیدگاه او، توسعه عصاره ای امکان های آزادی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشتها:

- ۱- آمارتیا سن، *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه‌ی دکتر حسین راغفر (تهران: کویر، ۱۳۸۱)، ص ۷.
- ۲- آمارتیا سن، *توسعه و آزادی*، ترجمه‌ی حسن فشارکی (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲)، ص ۸.
- ۳- همان، صص دو و یازده.
- ۴- آمارتیا سن، *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه‌ی دکتر وحید محمودی (تهران: دانشکده‌ی مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۸۲)، ص ۱۱.
- ۵- علاوه بر سه کتاب فوق‌الذکر، مشخصات ترجمه‌ی دیگر این کتاب به این ترتیب است:
- آمارتیا سن، *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه‌ی دکتر سید احمد موثقی (تهران: انتشارات دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۱).
- ۶- آمارتیا سن، *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه‌ی دکتر وحید محمودی، پیشین، صص ۱۰-۹.
- ۷- همان، ص ۱۷.
- ۸- همان، ص ۱۸.
- ۹- همان، ص ۱۹.
- ۱۰- همان، صص ۲۰-۲۱.
- ۱۱- همان، صص ۲۲-۲۳.
- ۱۲- همان، صص ۲۴-۲۵.
- ۱۳- همان، صص ۳۰-۳۱.
- ۱۴- همان، ص ۱۷۴.
- ۱۵- همان، ص ۱۷۶.
- ۱۶- همان، ص ۳۳۱.